

## درس هفتم در کار خویش

در بحث از سنت‌ها، با یکی از سنت‌های الهی که نقش عمل انسان در سرنوشت او بود، آشنا شدیم (آیه: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...» و نمونه‌هایی از این تأثیر را مطالعه کردیم.

اما یک سؤال اساسی در رابطه میان انسان و عمل او وجود دارد: **که لازم است و بیهیمه که قرآن کریم و پیشوایان دین درباره آن، چه رهنمودی به ما داده‌اند.** **آن سؤال اساسی این است که: «عمل انسان چه نقشی در ساختن شخصیت او دارد؟»**

الف- انسان به کمک همین ویژگی (قدرت اختیار خود) می‌تواند مراحل کمال را یکی پس از دیگری بپیماید و به تعبیر مولوی:

موضوع ارزشمندی قدرت اختیار	
مولوی	باردیگر از ملک پُران شود آنچه اندر وهم ناید آن شود
بیمودن مراحل کمال با بهره‌گرفتن از چه نیرویی و چگونه ممکن می‌شود؟	
<p><b>پیام آیه:</b> ۱- مولانا در معنوی معنوی مراحل رشد انسان را این‌گونه ترسیم می‌کند: اول جماد بودم، بعد نامی شدم، بعد ز حیوان سر زدم، بعد آدم شدم، زمانی هم ملک می‌شوم و پس از آن از ملک هم بالاتر می‌روم.</p> <p>۲- بر اساس این بیت، انسان با بهره‌گرفتن از قدرت اختیار خود و با پرورش کمالات روحی خود، می‌تواند همسان ملائکه شود و از ملائکه هم بالاتر رود.</p> <p><b>تناسب معنایی:</b> این بیت با آیاتی که بیانگر قدرت اختیار انسان باشند مانند آیه شریفه: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا و إِمَّا كَفُورًا» تناسب معنایی دارد.</p>	

ارزشمندی  
قدرت اختیار

ب- انسان همان‌طور که با قدرت اختیار خود می‌تواند راه کمال را طی کند، (فمن أهدى لنفسه) با همین توانایی می‌تواند در مسیر شقاوت پیش رود و هلاکت خود را رقم بزند. (و من عمى فلنلها)

ج- عواملی همچون [شیطان، شرایط فرهنگی و اجتماعی، فقط در حد وسوسه و تحریک نقش دارند، دوستان، رسانه‌ها و هر عامل دیگر.]

د- و این، خود انسان است که [سرنوشت شقاوت‌بار خود را رقم می‌زند] پس انسان گنه‌کار در گرو عمل خویش است. (سبلول) و آینده خود را تباه می‌سازد (علت)

### تذییر در آیات

در آیات زیر تأمل کنید و به دو سؤال زیر پاسخ دهید.

آیه:	پیام‌های تکمیلی آیه:
«فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا أَنگاه [تشخیص] بدکاری و پرهیزکاری را به آن [نفس انسان] الهام کرد. فَقَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا که هرکس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد. وَ قَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا و هرکس آن را آلوده کرد، قطعاً محروم شد.» (تس، آیات ۸ تا ۱۰)	۱- عبارت قرآنی: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» به «گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها» اشاره دارد. (درس ۲ دهم) ۲- منظور از «الهام فجور و تقوا»، یعنی انسان به صورت فطری فضایی مانند کرامت، بزرگواری، صداقت و عدالت را دوست دارد و از دورویی، ذلت، دون همتی و ظلم بیزار است. (به عبارت دیگر، انسان فطرتاً به فضیلت‌های اخلاقی گرایش دارد و از زکات اخلاقی متنفر است.) ۳- پس از بیان الهام فجور و تقوا به نفس، خداوند در عبارت قرآنی: «فَقَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا»، به انسان بشارت می‌دهد که رمز سعادت و رستگاری او در تزکیه نفس است. ۴- تزکیه نفس زمانی اتفاق می‌افتد که نفس ما از آلودگی‌ها پاک شود. این کار با توبه از گناهان (پشیمانی قلبی) آغاز می‌شود و برای تداوم آن، می‌بایست به دستورات الهی عمل نمود. (توحید علی از بند فردی). ۵- در عبارت قرآنی: «وَ قَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا»، خداوند به ما هشدار می‌دهد که آلوده کردن نفس یا گناه و معصیت، به محروم شدن از رستگاری می‌انجامد. ۶- عبارت قرآنی: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»، بیانگر توحید در ربوبیت است. (درس ۲ نوازدهم)

۱- در این آیات یک بشارت وجود دارد و یک انداز، آن‌ها را مشخص کنید.

بشارت: عبارت «فَقَدْ أَفْلَحَ» - این عبارت به کسانی که وجود خود را پاک می‌کنند، بشارت می‌دهد.

انذار: عبارت «وَ قَدْ خَابَ» - این عبارت به کسانی که تنها نفس خود را پاک نمی‌کنند بلکه آن را آلوده می‌کنند، به محروم شدن از رستگاری هشدار و انذار می‌دهد.  
۲- این بشارت و انذار نشانه چه حقیقتی است؟ نشانه این حقیقت است که انسان اختیار دارد و سرنوشتش به دست خود اوست. زیرا وقتی بشارت و انذار انسان معنا دارد که وی اختیار آن را داشته باشد که بین مسیر درست و نادرست دست به انتخاب بزند. اگر انسان اختیار مسیر را نداشته باشد، دیگر معنا ندارد که او را نسبت به انتخاب نادرست انذار و نسبت به انتخاب صحیح بشارت دهیم.

زمینه‌های گناه

الف- هیچ انسانی به‌طور فطری به‌دنبال **ظلم، خیانت، دروغ‌گویی، تجاوز به حقوق دیگران** و سایر اموری که **گناه و بدی** نامیده می‌شوند، نیست؛ (مفهوم آیه: «فَالْهَيْبَةُ فَجْرًا وَ تَوَاهَا»)  
 ب- بلکه برعکس، انسان‌ها **عدل، امانت‌داری، صداقت، عفت، پاکدامنی، حیا و اموری که عمل صالح و خلق نیکو محسوب می‌شوند** را دوست دارند و می‌خواهند که **دیگران** هم نسبت به او **راستگو و درست‌کردار** باشند. (مفهوم آیه: «فَالْهَيْبَةُ فَجْرًا وَ تَوَاهَا»)

سؤال: ممکن است بپرسید: پس چرا (با وجود گرایش فطری به نیکی‌ها) بسیاری از انسان‌ها به‌سوی **گناه** می‌روند و مرتکب گناه می‌شوند؟

الف- خداوند حکیم امیال و غرایز و گرایش‌های گوناگونی در وجود انسان قرار داده تا **امیال و غرایز برای حیات مادی** و **غرایز برای حیات معنوی** خود را سامان دهد و **تکامل** بخشد؛ و **گرایش به خیر و نیکی برای حیات معنوی**.

ب- آنچه در این میان مهم است این است که **انسان باید میان امیال و غرایز خود تعادل برقرار کند** (نکته: سرکوب کردن غرایز از نظر اسلام نادرست است) تا **طغیان** یک یا چند میل و غریزه، عرصه را بر **گرایش‌های انسان به خیر و نیکی تنگ** ننماید.

ج- تمایلات **مادی** در انسان شبیه **و در پشت سدها و در مزارع و رودخانه‌ها به طرز صحیحی استفاده گردد**، **اگر آب، که مایه حیات انسان و گیاهان و حیوان‌هاست، هدایت و کنترل شود** موجب **آبادانی** می‌شود؛ **اما اگر همین آب کنترل نشود** و به‌صورت سیل و سیلاب جاری شود، **تخریب و ویرانی** به‌بار می‌آورد.

پاسخ در تبیین علت و چرایی حرکت انسان به سمت گناه می‌گوییم:

۱- خداوند این **قوه** را در انسان قرار داده تا **در مواقع خطر از خود دفاع کند** و با **متجاوزان** مقابله نماید.  
 ۲- **اما اگر کسی تصمیم بگیرد** و **اموال آنان را به چنگ آورد**، **مردمان دیگر را زیر سلطه و قدرت خود قرار دهد** از همین **قوه** سوء استفاده می‌کند، **قوه غضب** است.  
 ۳- **ظالمین و متجاوزان** به حقوق مردم در جهان کسانی هستند که از همین **قوه** استفاده نادرست کرده‌اند.

د- به‌طور مثال، یکی از **قوای وجودی** ما **قوه غضب** است.

بهره‌گیری

چه عواملی امروزه سبب می‌شوند تمایلات مادی ما تحریک شوند و از حد اعتدال خارج گردند؟ آنها را شناسایی کرده و نام ببرید.  
 در این جا منظور از عوامل، صرفاً عوامل **محیطی** است. مثلاً دیدن فیلم‌های خشونت‌آمیز می‌تواند **قوه غضب** ما را تحریک و از حد اعتدال خارج کند. دوستان و رفیقان نامناسب می‌تواند باعث خروج انسان از حد اعتدال شود. حضور در مجالس نامناسب و گناه آلود، حضور در گروه‌ها یا کتال‌های نامناسب در فضای مجازی و مواردی از این قبیل همگی می‌توانند در تحریک تمایلات مادی ما تأثیر گذار باشند.

پاسخ به یک پرسش

ممکن است بپرسید: **پس چرا برخی می‌گویند اگر تمایلات مادی و حیوانی انسان محدود نشود** و **منع‌ها زیاد نباشد**، **حالت تحریک و طغیان هم کمتر می‌شود؟**  
**پس چرا می‌گویند انسان نسبت به آن چیزی که منعی می‌کنند حریص‌تر می‌شود؟**

اولاً: **منع کامل** یک میل سبب حریص‌تر شدن می‌شود، نه توصیه به **استفاده معتدل** از آن میل.

ثانیاً: گاهی کسانی که **دچار افراط در استفاده از یک میل هستند**، **بر این گونه سؤال‌ها تأکید می‌کنند تا** **استفاده افراطی از یک میل نمایند**، **و به‌دنبال اشاعه آن در میان دیگران می‌باشند**، **«بین مردم افرادی مانند خود بیابند»** و یا کسانی را مانند خود **اسیر** استفاده افراطی از یک میل نمایند.

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم:

موضوع: پاسخ به معنقدین محدود نکردن تمایلات مادی و حیوانی

«ذُو الْعُرُوبِ يُحِبُّونَ إِشَاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَّبِعَهُ لَهْمُ الْعَذْرِ فِي مَعَايِبِهِمْ»  
 کسانی که خود عیب دارند، علاقه‌مند به **شایع کردن عیب‌های مردم هستند** تا جای **عذر و بهانه** برای عیب‌های خودشان باز شود.

چه کسانی علاقه‌مند به شایع کردن عیب‌های مردم هستند؟ و دلیل آن چیست؟

**بام حدیث:** ۱- از دیدگاه امام علی (ع)، باز شدن جای عذر و بهانه (لِيَتَّبِعَهُ لَهْمُ الْعَذْرِ فِي مَعَايِبِهِمْ)، **علت** علاقه‌مند بودن صاحبان عیوب (ذو‌العیوب) به شایع کردن عیب‌های مردم (اشاعه معایب الناس) است.  
 ۲- افرادی بر این گونه سؤال‌ها: «پس چرا می‌گویند انسان نسبت به آن چیزی که منعی می‌کنند حریص‌تر می‌شود؟»، **تأکید می‌کنند که «دچار افراط در استفاده از یک میل هستند، و به‌دنبال اشاعه آن در میان دیگران می‌باشند»**، به این منظور که: «بین مردم افرادی مانند خود بیابند و یا کسانی را مانند خود **اسیر** استفاده افراطی از یک میل می‌نمایند.»

ثالثاً: افرادی به استفاده **متعادل** از تمایلات نام **منع** می‌گذارند که **منافع و تجارتشان در گسترش و افراط در تمایلات مادی است** و به‌دنبال حریص‌تر شدن مردم هستند.



## بستوانه محکم دوری از گناه

علت ارتکاب گناه با وجود گرایش فطری به نیکی

الف- انسان به طور فطری } گناه را دوست ندارد و فضیلت و خیر را می‌خواهد (گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها - مفیوم آیه: «فَالْهَيْبَةُ فَجْورًا وَ تَوَّاهًا»)

ب- اما این مسئله (گرایش به نیکی) سبب دوری از گناه نمی‌شود، زیرا، عوامل تحریکی ممکن است } زمینه توجه بیش از حد انسان به تمایلات حیوانی شود و برای رسیدن به آن تمایلات مرتکب گناه گردد.

ج- بنابراین ما نیازمند یک پشتوانه محکم برای دوری از گناه هستیم و این پشتوانه محکم چیزی جز ایمان به خدا نیست.

ایمان به خداوند از چند جهت پشتوانه دوری از گناه است.

۱- انسان مؤمن می‌داند که خداوند ناظر کارهای اوست. (علت) } از این رو حیا می‌کند که در پیشگاه او مرتکب گناه شود. (معلول) در صورتی که گناهی هم از او سرزند از خداوند شرمیده می‌شود و توبه می‌کند.

۲- انسان مؤمن می‌داند که خداوند } انسان را بیهوده نیافریده و نسبت به اعمال وی بی‌تفاوت نیست. در روز حساب، به نیکوکاران پاداش می‌دهد و بدکاران را مجازات می‌کند.

۳- انسان مؤمن } در سرگردانی قرار ندارد. خداوند } او را راهنمایی کرده و مشخص نموده که چه عملی و چه کاری واجب و لازم و چه کاری حرام است. تکلیفش یا خودش و یا دیگران روشن است، با اعتماد و اطمینان } به فرمان الهی عمل می‌کند و به سوی سعادت و رستگاری پیش می‌رود.

ویژگی‌های مؤمنان در آیات ۶ تا ۱۱ سوره مؤمنون

۱- به راستی که مؤمنان پیروز و رستگارند.

۲- همانان که در نمازشان خاشع و قوی‌اند.

۳- و آنان که از بیهوده کاری رویگردانند.

۴- و آنان که انفاق مال انجام می‌دهند.

۵- و آنان که پاکدامنی می‌ورزند و فقط از همسران خود بهره می‌گیرند.

۶- و آنان که امانت‌دارند و بر سر پیمانشان استوارند.

۷- و آنان که از نمازهای خود محافظت می‌کنند.

۸- اینان وارث وعده‌های زیبای خداوند هستند و «فردوس» را که یکی از بالاترین مراحل بهشت است، برای ابد به ارث می‌برند.

## بررسی یک مسئله

فوراً این سؤال به ذهن انسان خطور می‌کند که (با وجود اینکه ایمان به خدا پشتوانه محکم برای دوری از گناه است) چرا برخی مؤمنین } گناه می‌کنند، آن هم گناهان بزرگ؟

پاسخ به این سؤال } نیازمند تأمل و دقت است. از همین جهت، آن را در چند بند پاسخ می‌دهیم:

۱- در زمان غفلت و بی‌توجهی به خدا

الف- هریک از ما تجربه‌های فراوانی در این زمینه داریم و می‌توانیم بررسی کنیم که } آیا در مواقعی که ارتباط معنوی بهتری با خدا داریم و ایمانمان به خداوند قوی‌تر است، بیشتر گناه می‌کنیم یا درحالی که توجهی به خدا نداریم و از او غافلیم؟

ب- همچنین دوستان و هم‌کلاسی‌های ما } نیز نمونه‌های خوبی برای بررسی این مسئله و رسیدن به پاسخ مناسب هستند. آیا دوستانی که واقعاً اهل نماز و روزه‌اند، بیشتر گناه می‌کنند یا دوستانی که کمتر به نماز و روزه خود توجه دارند؟

۲- عدم ایمان قلبی به خدا

الف- اگر تجربه ما و دوستانمان نشان دهد که } در هنگام ارتباط معنوی ما با خدا، کمتر گناه می‌کنیم، در این صورت می‌گوییم: } ایمان به خدا

ب- ایمان به خدا یک امر قلبی است. } اما هنوز اعتقاد به خدا وارد قلبش نشده باشد. ممکن است کسی به زبان بگوید خدا و دستورات او را قبول دارم، } چنین کسی معمولاً از دستور خدا سرپیچی می‌کند و مرتکب گناه می‌شود.

۳- ضعف ایمان

الف- ایمان انسان‌ها شدت و ضعف دارد. } ایمان یکی ضعیف است و ایمان دیگری قوی و ایمان فرد دیگر قوی‌تر.

ب- میزان دوری مؤمن از گناه ارتباط دارد با } ۱- درجه ایمان و ۲- دل‌بستگی وی به خداوند.

ب- هر قدر ایمان قوی‌تر باشد (علت)، دوری وی از گناه نیز بیشتر است. (معلول) } با این میزان می‌توانیم درجه ایمان افراد پیرامون خود را بسنجیم: } آنان که بیشتر از گناه دوری می‌کنند (معلول)، ایمانشان قوی‌تر است. (علت)

الف- با توجه به نکته فوق، (ایمان قوی تر - دوری از گناه بیشتر)

هر کس در موقعیتی قرار بگیرد که امکان گناه برای او بیشتر فراهم باشد، باید ایمان قوی تری داشته باشد (علت) تا بتواند از آن موقعیت به سلامتی عبور کند و آلوده نگردد. (مطلوب)

ب- به طور مثال کسی که مدیر یک بخش بزرگ اقتصادی است و اموال زیادی تحت مدیریت اوست، اگر ایمان قلبی خود را تقویت نکرده باشد، در هر لحظه ممکن است آلوده به گناه شود و از آن اموال سوء استفاده نماید.

- ۱- نه فقط او را به جهنم می کشاند،
- ۲- بلکه برخی افراد را که توانایی تحلیل دقیق مسئله را ندارند، نسبت به اصل دین و کارآمدی آن بدبین می سازد.

د- نیز در معرض همین امتحان هستند، (امکان گناه برای آنان بیشتر فراهم است)

ج- ثروتمندان جامعه ۱- آنان نیز اگر ایمان خود را تقویت نکنند، (علت) ممکن است برای پاسخ به امیال نفسانی خود، از این ثروت سوء استفاده کنند و به گناه آلوده شوند. (مطلوب)

۲- قرآن کریم درباره این افراد (ثروتمندان جامعه) می فرماید:

۴- عدم تناسب بین ایمان فرد و موقعیت او

موضوع علت گناه کردن

علق، ۶ و ۷

چنین نیست [که آن ها این نعمت ها را شکر کنند، بلکه] به یقین انسان سر به طغیان بر می آورد، همین که خود را بی نیاز ببیند.

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ»

علت گناه کردن برخی انسانها در این آیه چیست؟ و راه جلوگیری از آن چه می باشد؟

پیام آیه: ۱- هر کس در موقعیتی قرار بگیرد که امکان گناه برای او بیشتر فراهم باشد، باید ایمان قوی تری داشته باشد تا بتواند از آن موقعیت به سلامتی عبور کند و آلوده نگردد.

۲- اگر ثروتمندان جامعه، ایمان خود را تقویت نکنند، ممکن است برای پاسخ به امیال نفسانی خود، از این ثروت سوء استفاده کنند و به گناه آلوده شوند.

۳- در برابر نعمت های بزرگ مادی و معنوی که خداوند به انسان داده، بر انسان واجب است که شکر آنها را به جا آورد، ولی او به جای شکر، کفران و طغیان می کند. علت این انحراف، آن است که او به خود و هواهای نفسانی خود می پردازد و در نتیجه از پروردگارش غافل می شود و خود را محتاج او نمی بیند و سر به طغیان بر می دارد.

ارتباط: عبارت قرآنی: «لِيُظْهِرَ أَنْ لِرَبِّهِ اسْتِعْنَى»، بیانگر شرک عملی فردی و یک تقدیر الهی است. (درس ۳ و ۵ دوازدهم)

موضوع: علت گناه کردن

روم، ۱۰

سهس سر نوشت آنان که مرتکب گناه شدند  
چنین شد که نشانه های الهی را تکذیب کردند  
و آن نشانه ها را به باد تمسخر گرفتند.

«ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ»

سرانجام گناه کاران در این آیه چیست؟

پیام آیه: ۱- انسانی که ایمان ضعیفی دارد، اگر ایمان خود را تقویت نکند و به گناه آلوده شود، به تدریج به گناه عادت می کند و به جایی می رسد که همین ایمان ضعیف را هم از دست می دهد و همه حقایق، حتی خدا را انکار می کند.

۲- در این آیه، دو نتیجه برای ارتکاب گناه بیان شده است: الف- تکذیب آیات و نشانه های الهی ب- تمسخر آیات الهی

ارتباط: عبارت شریفه: «أصاؤا السوای أن کذبوا بآیات الله و كانوا بها يستهزؤن»، بیانگر شرک عملی می باشد. (درس ۳ دوازدهم)

ج- اگر انسان هنگامی که اولین گناه را مرتکب می شود، به شدت از آن بیزار می جوید و دوری می کند، (مطلوب) شخصیت آلوده و وحشتناک فردی خود را ببیند، (علت)

۵- عادت به گناه

د- در ابتدا تن به گناه می دهد تا پوس از آن که در آن گرفتار آید و خود را بدان عادت داد، آن تنفر اولیه را نیز فراموش می کند. (مطلوب)

ه- «توجه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.



الف هرکس، چه مؤمن و چه کافر، **فکرش را به سوی گناه ببرد** و دربارهٔ صحنه‌های گناه فکر کند، گرفتار آن می‌گردد.

۱- سامام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

### موضوع: علت گناه کردن

«مَنْ كَفَّرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا» کسی که دربارهٔ معاصی زیاد فکر کند، گناهان او را به سوی خود می‌کشاند.

علت توصیه امام علی<sup>(ع)</sup> به دوری کردن از افکار گناه‌آلود چیست؟

**پیام حدیث:** ۱- از عوامل زمینه‌ساز ارتکاب گناه، «فکر کردن به آن» است.  
۲- براساس این حدیث، هرکس، چه مؤمن و چه کافر، فکرش را به سوی گناه ببرد و دربارهٔ صحنه‌های گناه فکر کند، گرفتار آن می‌گردد.  
تناسب معنایی: در این فرمایش امام علی<sup>(ع)</sup> و سخن حضرت عیسی به حواریون، به جلوگیری از فکر کردن به گناه تأکید شده است.

ج- گرچه فکر گناه، مانند انجام گناه نیست و مجازات گناه را ندارد، اما زمینه‌ساز رفتن به سوی گناه است.

عرفکر کردن به گناه

۲- حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> در سخنی با حواریون فرمود:

### موضوع: علت گناه کردن

«موسی بن عمران به شما دستور داد تا زنا نکنید اما من به شما فرمان می‌دهم که حتی فکر زنا را نیز به خاطر نیابردید چه رسد به این که آن عمل را انجام دهید. زیرا هرکس که فکر آن را بکند مانند کسی است که در ساختمانی آتش روشن کند که در این صورت دود آتش، خانه را سیاه می‌کند، گرچه ظاهر خانه سالم است.»

توصیه حضرت موسی<sup>(ع)</sup> و حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> به باران خود چه بود؟

**پیام حدیث:** ۱- از دلایل ارتکاب گناه، «فکر کردن به گناه» است.  
۲- از دیدگاه حضرت عیسی<sup>(ع)</sup>، فکر زنا مانند این است که کسی در ساختمانی آتش روشن کند که در این صورت دود آتش، خانه را سیاه می‌کند، گرچه ظاهر خانه سالم است.  
۳- گرچه فکر گناه، مانند انجام گناه نیست و مجازات گناه را ندارد، اما زمینه‌ساز رفتن به سوی گناه است.

تناسب معنایی: این سخن حضرت عیسی و این سخن امام علی<sup>(ع)</sup>، «مَنْ كَفَّرَ فِكْرَهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا»، به پرهیز از فکر کردن دربارهٔ گناه اشاره دارند.

پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: چهار رفتار نسبت به گناه از خود گناه بدتر است:

۳- پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>

### موضوع: رفتارهایی بدتر از انجام خود گناه

۱- کوچک شمردن گناه (مثلاً وقتی نگاه هوس‌آلود به نامحرم می‌کنیم، برای راحتی وجدان، بگوییم این که چیزی نیست، دیگران گناهان بزرگتر از این را انجام می‌دهند).  
۲- افتخار کردن به گناه (مثلاً بگوییم، وقتی که فلان شغل را داشتم فلان رشوه را گرفتم و هیچ کس نفهمید).  
۳- شادمانی کردن (مثلاً بعد از گناه خوشحالی کنیم و بگوییم چه کلاهی سر او گذاشتم).  
۴- اصرار به گناه (بگوییم خوب کردم که رشوه گرفتم، باز هم رشوه می‌گیرم).

رسول اکرم<sup>(ص)</sup> چه رفتارهایی را بدتر از خود گناه معرفی کرده‌اند؟

**پیام حدیث:** هر یک از این چهار رفتار نسبت به گناه از خود گناه بدتر است، زیرا مانع از پشیمانی و انجام توبه می‌شود و زمینه را برای ارتکاب به گناهان بعدی آماده می‌کنند.

رفتارهایی که بدتر از خود گناه است.

### گناهان صغیره و کبیره

الف- در یک تقسیم‌بندی، گناهان به دو دسته تقسیم می‌شوند: صغیره و کبیره.

۱- گناهان کبیره گناهانی هستند که آثار سوء و زیان‌بار آن‌ها به مراتب از گناهان صغیره بیشتر است.  
۲- تعداد گناهان کبیره در آیات و روایات به‌طور دقیق تعیین نشده.  
۳- فقط می‌توان گفت که برخی از گناهان حتماً از جمله گناهان کبیره هستند.  
۴- عادت و تکرار گناهان صغیره زمینه‌ساز رفتن انسان به سمت گناهان کبیره است.

۴- از این رو امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

### موضوع: زمینه‌ساز ارتکاب گناهان کبیره

«گناهان کوچک راه‌هایی برای گناهان بزرگ‌اند و کسی که در امور کوچک از خدا ترسد، در امور بزرگ‌تر نیز نخواهد ترسید.»

علت توصیه امام رضا<sup>(ع)</sup> به دوری کردن از ارتکاب گناهان صغیره چیست؟

**پیام حدیث:** عادت و تکرار گناهان صغیره زمینه‌ساز رفتن انسان به سمت گناهان کبیره است.

ب- گناهان کبیره:

## کتمان گناه

الف- در تعالیم دین توصیه شده است که اگر کسی به هر علتی گناهی را انجام داد، نباید گناهِش را برای دیگران بیان کند (کتمان گناه).  
 ۱- زشتی آن در نظر او و دیگران از بین می‌رود  
 ۲- و انجام گناه امری عادی جلوه می‌کند.  
 زیرا با اظهار گناه،

ب- اگر در جامعه‌ای گناه، زشتی خود را از دست دهد (علت) فساد در آن جامعه به سرعت گسترش می‌یابد. (مطول)

ج- از این رو کسانی که در فضای مجازی یا در صحبت با دوستان خود، به راحتی گناهان خود را با دیگران در میان می‌گذارند } گناه بزرگ دیگری (گناه اظهار آن) را علاوه بر گناه قبلی، برای خود ثبت می‌کنند، زیرا باعث ترویج آن گناه می‌شوند.  
 د- خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

### موضوع: تسبیح اظهار کردن گناه

«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...»  
 بی‌گمان، کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت در میان مؤمنان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک دارند.»

#### سرانجام گناه‌کاران در این آیه چیست؟

**پیام آیه:** ۱- براساس تعالیم اسلامی، اگر کسی به هر علتی گناهی را انجام داد، نباید گناهِش را برای دیگران بیان کند، زیرا با اظهار گناه، زشتی آن در نظر او و دیگران از بین می‌رود و انجام گناه امری عادی جلوه می‌کند.  
 ۲- گرفتار شدن به «عذاب الیم» در دنیا و آخرت، مجازات کسانی است که دوست دارند که فحشا در بین مؤمنان رایج شود.  
 مقایسه: تعبیر قرآنی: «و لهم عذاب مهین»، مجازات کافرانی است که به سنت املاء و امهال گرفتار شده‌اند و عبارت قرآنی: «لهم عذاب الیم»، مجازات کسانی است که دوست دارند که فحشا در بین مؤمنان رایج شود.

گناهان، آثار نامطلوبی بر زندگی دنیوی و اخروی ما دارند که به سه مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف- قساوت قلب } حالتی است که قلب انسان نسبت به حق تسلیم نیست، تا آن‌جا که نصیحت هیچ نصیحت‌کننده در او اثر نمی‌کند.

ب- این حالت (قساوت قلب) } با تکرار گناه پیدا می‌شود؛ یعنی قلب با تکرار گناه، به تدریج چنان سخت می‌شود که دیگر انجام هیچ گناهی او را ناراحت نمی‌کند.

ج- قرآن کریم به گناهکاران خطاب می‌کند و با مغالی وضع آنان را توضیح می‌دهد:

### موضوع: قساوت قلب

«سپس دل‌هایتان پس از آن سخت شد، همانند سنگ یا سخت‌تر از سنگ، زیرا که از بعضی سنگ‌ها جویباران می‌شکافد و از بعضی از آن‌ها آب بیرون می‌آید و برخی از آن‌ها از عظمت و خشیت خداوند فرو می‌افتد.»

#### وضعیت گناهکاران در این آیه چگونه ترسیم شده است؟ علت آن چیست؟

**پیام آیه:** ۱- در این آیه به موضوع قساوت و سنگدلی گناه‌کاران (قوم بنی اسرائیل) اشاره شده که دل‌های آنان در اثر ارتکاب به گناهان همانند سنگ سخت شده و یا سخت‌تر از سنگ شده بود.  
 ۲- مطابق این آیه، سنگ با تمام سختی که دارد، از آن چشمه آب می‌جوشد و از عظمت خداوند فرو می‌افتد ولی دلی که در اثر گناه سخت شده است، نه چشمه عواطف و علمی از آن می‌جوشد و نه قطرات محبتی از آن تراوش می‌کند، و نه هرگز از خوف خدا می‌تهد.  
 ۲- با تکرار گناه، قساوت قلب پیدا می‌شود؛ یعنی قلب با تکرار گناه، به تدریج چنان سخت می‌شود که دیگر انجام هیچ گناهی او را ناراحت نمی‌کند.

### موضوع: قساوت قلب

«هیچ چیز مانند گناه دل را فاسد نمی‌کند. همانا قلب آلوده به گناه می‌شود تا جایی که بر اثر استمرار، گناه بر آن چیره می‌شود و آن را زیر و رو می‌کند.»

#### از دیدگاه امام باقر(ع)، گناه چه تأثیری بر قلب انسان دارد؟ و تکرار آن چه نتیجه‌ای دارد؟

**پیام حدیث:** ۱- با تکرار گناه، قساوت قلب پیدا می‌شود؛ یعنی قلب با تکرار گناه، به تدریج چنان سخت می‌شود که دیگر انجام هیچ گناهی او را ناراحت نمی‌کند.  
 ۲- قساوت قلب حالتی است که قلب انسان نسبت به حق تسلیم نیست، تا آن‌جا که نصیحت هیچ نصیحت‌کننده در او اثر نمی‌کند.

آثار نامطلوب گناهان بر زندگی دنیوی و اخروی ما



- ۲- سلب توفیقی: } الف- وقتی انسان مرتکب گناه می‌شود، علاوه بر آثار مستقیم گناه، (قلوت قلب) توفیقی نیز از او سلب و دری از خیر به‌روی او بسته می‌شود.
- ب- همین محرومیت } چه بسا سرچشمه محرومیت‌های بعدی می‌شود؛ مگر این که شخص پس از انجام گناه، قلباً پشیمان شود و با توبه به درگاه الهی بازگردد.

الف- گناه، } بر وجدان انسان اثر می‌گذارد و شخص را از درون ناراحت می‌کند.

موضوع: از بین بردن آرامش خاطر

ب- حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«گاهی، یک لحظه گناه، اندوه و حزن طولانی به‌دنبال دارد.»

گناه چه تأثیری بر وجدان انسان می‌گذارد؟ و راه نجات از آن چیست؟

۳- از بین بردن آرامش خاطر:

**پیام حدیث:** ۱- گناه بر وجدان انسان اثر می‌گذارد و شخص را از درون ناراحت می‌کند.  
 ۲- راه نجات گناهکار از عذاب وجدان و اندوه درونی، انجام توبه است. اما اگر گناه را تکرار کند، برای راحت کردن وجدان خود، پیوسته دست به توجیه می‌زند تا بالاخره بر وجدان خود چیره شود و گناه را به‌آسانی انجام دهد.

ج- اگر گناهکار، } در همین مرحله توبه کند، خود را از اندوه درونی نجات داده است.  
 اما اگر گناه را تکرار کند، } برای راحت کردن وجدان خود، پیوسته دست به توجیه می‌زند تا بالاخره بر وجدان خود چیره شود و گناه را به‌آسانی انجام دهد.

سوالات تألیفی / خط به خط و مفهومی /

- از دیدگاه اسلام، جایگاه اندیشه و تفکر در زندگی انسان تا چه اندازه است؟ و کدام حدیث، اهمیت این موضوع را به روشنی به تصویر کشیده است؟ ۳
- ♦ سرآغاز هر حرکتی است. - «تَبَيَّنَ الْمُؤْمِنُ خَيْرَ مِنْ عَمَلِهِ»
  - ♦ دومین گام برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است. - «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قَدْرَتِهِ»
  - ♦ سرآغاز هر حرکتی است. - «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قَدْرَتِهِ»
  - ♦ دومین گام برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است. - «تَبَيَّنَ الْمُؤْمِنُ خَيْرَ مِنْ عَمَلِهِ»
- ۸۶۲ دومین گام در حرکت انسان به سوی رشد و کمال چیست؟ و پیام کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟ ۱
- ♦ کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی با انجام واجبات و ترک محرمات در قلمروهای مختلف - «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ فَسُيِّدْ لَهُمْ فِي رَحْمَةِ مَنِّهِ وَ ...»
  - ♦ عهد بستن با خداوند با انجام واجبات و ترک محرمات در قلمروهای مختلف - «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ ...»
  - ♦ عهد بستن با خداوند با انجام واجبات و ترک محرمات در قلمروهای مختلف - «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ فَسُيِّدْ لَهُمْ فِي رَحْمَةِ مَنِّهِ وَ ...»
  - ♦ کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی با انجام واجبات و ترک محرمات در قلمروهای مختلف - «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ ...»
- ۸۶۳ خداوند در آیات قرآن، چه باداشی را برای افرادی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، وعده داده است؟ ۴
- ♦ «لَقَدْ جَاءَنَا عَلَيْهِمْ مِنْ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»
  - ♦ «لَتَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»
  - ♦ «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»
  - ♦ «فَسُيِّدْ لَهُمْ فِي رَحْمَةِ مَنِّهِ وَ فَضْلٍ وَ يَهْدِيَهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا»
- ۸۶۴ کدام عبارت قرآنی، نوید بخش حمایت‌های الهی در تنگناهای حرکت به سوی کمالات و مدارج معنوی و انسانی است؟ ۲
- ♦ «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»
  - ♦ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»
  - ♦ «وَمَا كَانَ عِطَاءَ رَبِّكَ مَحْظُورًا»
- ۸۶۵ در پاسخ به این سؤال که: «عمل انسان چه نقشی در سرنوشت او دارد؟»، از پیام کدام آیه شریفه مدد می‌گیریم؟ ۳
- ♦ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلُهَا وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ»
  - ♦ «وَ لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نَمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنََّّمَا نَمْلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»
  - ♦ «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»
  - ♦ «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرَى أَلْفُكُ قِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لَتَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»
- ۸۶۶ انسان به کمک کدام ویژگی خود می‌تواند مراحل کمال را یکی پس از دیگری ببیند؟ و کدام بیت به ارزشمندی آن اشاره دارد؟ ۱
- ♦ اختیار - «بِارْتِيَاكَ مِنْ مَلِكٍ يَرَانُ شُود / آنچه اندر وهم ناید آن شود»
  - ♦ اختیار - «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم»
  - ♦ حق‌پذیر بودن - «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم»
  - ♦ حق‌پذیر بودن - «بِارْتِيَاكَ مِنْ مَلِكٍ يَرَانُ شُود / آنچه اندر وهم ناید آن شود»
- ۸۶۷ با استناد به آیه شریفه: «فَمَنْ أَبْصَرَ فَانْقَسِهْ وَ مَنْ عَمِيَ فَاعْلَمِهَا»، عامل اصلی در پیمودن مسیر کمال و یا پیش رفتن در مسیر شقاوت چه نام دارد؟ و تأثیر عوامل بیرونی در رقم زدن هلاکت آدمی تا چه میزان است؟ ۲
- ♦ اختیار - سرنوشت شقاوت‌بار انسان را رقم می‌زند.
  - ♦ روح - فقط در حدّ وسوسه و تحریک نقش دارند.
  - ♦ اختیار - فقط در حدّ وسوسه و تحریک نقش دارند.
  - ♦ روح - سرنوشت شقاوت‌بار انسان را رقم می‌زند.